

حمایت های اجتماعی در زلزله کرمانشاه بر اساس تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار

شایسته کرمانی^۱، عالیه شکر بیگی^۲، احسان رحمانی^۳

چکیده

حمایت های اجتماعی یکی از مولفه های مهم توانمندی در حل مشکلات زنان سرپرست خانوار در موقعیت های مختلف زندگی است. زنان سرپرست خانوار یکی از گروه های اجتماعی آسیب پذیر در بحران ها و بلایای طبیعی می باشند و نحوه مواجهه آنان با موقعیت بحران ارتباط بسیار زیادی با مولفه های توانمندسازی از جمله حمایت های اجتماعی دارد. مطالعه حاضر با هدف تشریح تجربه زنان سرپرست خانوار از حمایت اجتماعی در زلزله کرمانشاه انجام شده است. روش شناسی تحقیق حاضر کیفی و این مقاله بخشی از یک مطالعه جامع با روش گراند تئوری می باشد. داده ها به روش میدانی از طریق نمونه گیری نظری و مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر از زنان سرپرست خانوار در مناطق ۸ گانه زلزله زده کرمانشاه از جمله ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب، قصر شیرین و... تا حد اشباع نظری جمع آوری گردید. در این پژوهش به منظور سنجش روایی و پایایی به از دو معیار "اطمینان پذیری و باور پذیری" و از تکنیک "مثلث سازی" منظور غلبه بر سوگیری های ذاتی، استفاده شد. از تحلیل داده ها به روش زمینه ای، ۹۸۷ کد باز اولیه، ۱۵۰ مفهوم به عنوان کد باز ثانویه، ۴۱ مقوله محوری و از انتزاع مجدد، ۸ مقوله عمده نهایی شامل "گذرا و مقطعی"، "حمایت کننده های شخصی"، "استفاده ابزاری"، "رویدادهای سخت زندگی"، "تنهایی و ترس"، "احساس رها شدن و بدبینی"، "بی عدالتی و تبعیض"، "احساس ناتوانی" و مفهوم مرکزی "حمایت اجتماعی؛ اولویت درک شده زندگی" استخراج گردید. نتایج نشان می دهد "حمایت های اجتماعی" به مثابه "اولویت درک شده زندگی" از سوی مشارکت کنندگان تفسیر شده است که در صورت بی توجهی به آن پیامدهای جبران ناپذیری را برای آنان بدنبال خواهد داشت. لذا اهمیت توجه و لحاظ این جنبه از نیاز واقعی و درک شده زنان میدان مطالعه در مدیریت بحران با رویکرد جنسیتی می تواند تاثیر زیادی بر ایجاد توانمندی آنان در مواجهه با بلایای طبیعی داشته باشد.

واژگان کلیدی: حمایت های اجتماعی، تجربه زیسته، زنان سرپرست خانوار، بلای طبیعی زلزله، توانمندسازی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گروه های اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(Email: s.karamkhani@yahoo.com)

^۲ استادیار جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: ashekarbeugister@gmail.com)

^۳ استادیار جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: ehsan5171@gmail.com)

مقدمه

بلاای طبیعی به طور مساوی بر گروه‌های اجتماعی تاثیر نمی‌گذارد. یک رویکرد آسیب‌پذیری جنسیتی به فاجعه‌ها نشان می‌دهد که نابرابری در معرض خطر قرار گرفتن، حساس بودن نسبت به خطر، نابرابری در دسترسی به منابع، قابلیت‌ها و فرصت‌ها به طور سیستماتیک بعضی از گروه‌ها را از بین می‌برد و آنها را بیشتر در معرض خطر بلاای طبیعی قرار می‌دهد. (Neumayer & Plümper, 2007). طبق گزارش صلیب سرخ کانادا زنان جزء یکی از ده گروه جمعیتی در معرض خطر در موقعیتهای اضطراری می‌باشند (بهمن و همکاران، ۱۳۹۶)، و زنان سرپرست خانوار^۱ که جزء فقیرترین فقرا محسوب می‌گردند (شادی طلب و گرایمی نژاد، ۱۳۸۳)، به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی اقلیت و آسیب‌پذیر بدلیل موضوعات فرهنگی اغلب به "حاشیه" رانده می‌شوند و از دسترسی به فرصت‌ها و منابع محروم هستند. همواره دو مقوله اصلی مسئولیت‌های جنسیتی زنان و تابوهای فرهنگی منطقه منجر به آسیب‌پذیری بیشتر زنان می‌گردد و آنان بدلیل شرایط خاص و تحت تاثیر تابوها و موانع فرهنگی حاکم بر جامعه بیشتر از مردان از بلاای طبیعی متاثر می‌گردند (بهمن و همکاران، ۱۳۹۶).

زنان در بلاای طبیعی اغلب به عنوان قربانیان فاجعه به تصویر کشیده می‌شوند و نقش مرکزی آنها در پاسخ به فاجعه اغلب نادیده گرفته می‌شود، اما این واقعیت را نباید نادیده انگاشت که مسئولیت‌های خانوادگی زنان با شروع فاجعه بطور معنی‌داری با کاهش حمایت و محدودیت منابع، افزایش می‌یابد. زنان در خانواده نقش مهمی ایفا می‌کنند، از جمله تلاش برای دریافت کمک، تلاش برای برآوردن نیازهای زیستی و ضروری فرزندان و مدیریت جابجایی‌های موقت مکان زندگی. در خانواده‌های زن سرپرست بدلیل تنهایی و فقدان حمایت‌های اجتماعی موثر، حجم کار پس از فاجعه افزایش می‌یابد و شرایط بسیار سختتر از قبل میشود (wikijender). مطالعه (Enarson, 2000) نشان می‌دهد کار و درآمد زنان سرپرست خانوار نیز به شدت تحت تاثیر بلاای طبیعی است زیرا اغلب زنان سرپرست خانوار خانه و محل درآمدشان یکی است و زیان‌های اقتصادی آنها ناشی از فاجعه می‌تواند گسترده باشد و به فقر مالی آنان دامن بزند. این درحالی است که اغلب زنان سرپرست خانوار از حمایت‌های اجتماعی خصوصا در بحران و بلاای طبیعی محروم میشوند و یا کمتر دریافت می‌کنند (بهمن و همکاران، ۱۳۹۶).

موضوع قابل تأمل، ضرورت حمایت اجتماعی^۲ به عنوان یکی از مولفه‌های توانمندسازی از این گروه اجتماعی (قربانی، ۱۳۹۷)، کاملاً مشهود می‌باشد و میتواند در موقعیت بحران و بلاای طبیعی به کاهش آسیب‌های اجتماعی و بازسازی سریعتر زندگی منجر گردد. یکی از ویژگیهای افراد نسبتاً مقاوم در برابر بحرانها بر خورداری از حمایت‌های اجتماعی است و زنان سرپرست خانوار با توجه به شرایط ویژه نیاز بیشتری به این حمایتها دارند.

حمایت اجتماعی میزان برخورداری از همراهی، مراقبت، توجه و احترام و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی گروه‌های دیگر همانند اعضای خانواده، دوستان و دیگران مهم در اجتماع است یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و اینکه او به یک شبکه اجتماعی تعلق دارد (بشیری، ۱۳۹۴). (سارافینو، ۱۹۹۸؛ به نقل از بشیری، ۱۳۹۴: ۲۴۹) در تعریف بعد کارکردی حمایت اجتماعی به سه نوع حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی اشاره دارد. حمایت عاطفی به معنی در دسترس داشتن فرد برای تکیه کردن و اعتماد داشتن به وی به هنگام نیاز در بر دارنده احساس همدلی، توجه و علاقه به یک شخص می‌باشد. حمایت ابزاری به کمک‌های مادی، عینی و واقعی دریافت شده توسط یک فرد از سوی دیگران اطلاق می‌شود. حمایت اطلاعاتی شامل بدست آوردن اطلاعات ضروری از طریق تعامل‌های اجتماعی با دیگران است.

بر اساس نظریه حمایت اجتماعی دوستان، خانواده و آشنایان خدمات عینی و اطلاعاتی را فراهم میکنند که موجب می‌شود یک فرد احساس امنیت، عزت نفس و ارزشمند بودن کند و خود را جزئی از شبکه ارتباطی بداند و تمام اینها فرصت خود شکوفایی و

¹ female-headed household

² Social Support

توانمندی را در مواجهه با مشکلات زندگی فراهم می نماید (قربانی، ۱۳۹۷). (استروبی^۱ و همکاران، ۲۰۰۵) معتقدند، حمایت های اجتماعی به مثابه یک تعدیل کننده عمل می کنند. افرادی که فقدان و بحران را تجربه می کنند وقتی از حمایت های اجتماعی برخوردارند بهتر میتوانند با آن کنار آیند و بازسازی با سرعت و سهولت بیشتری صورت می گیرد (نصری و عبدالملکی، ۱۳۹۵). لوو (۱۹۹۴)^۲ معتقد است حمایت های اجتماعی اثرات رویدادهای استرس زا را تعدیل می کند و به تجربه عواطف مثبت می انجامد (کاظمیان و سیفی، ۱۳۹۷)

در تحقیق کیفی (کاظمیان و سیفی، ۱۳۷۹)، نقش موثر عوامل حمایت کننده اجتماعی در زلزله نشان داده شده اما "تداوم و پایداری" حمایت های اجتماعی از اهمیت دو چندان برخوردار است. (بخشی نیا، ۱۳۹۳)، به اهمیت حمایت های روانی - اجتماعی "مداوم" از سوی دیگران به منظور فایق آمدن و مقابله بهتر بازماندگان با مشکلات خود اشاره می کند. اما برخلاف آنچه نتایج تحقیقات نشان می دهند و همچنین نرخ رو به رشد زنان سرپرست خانوار، متأسفانه فقدان سیاست گذاری ها، قوانین و لوایح حمایتی و امداد رسانی "در زمان بحران و بلایای طبیعی" ویژه این گروه اجتماعی در بین قوانین کاملاً مشهود است. بگونه ای که در آخرین قانون مدیریت بحران در ایران، مورخ ۹۸/۶/۳ از سوی مجلس شورای اسلامی با عنوان "لایحه مدیریت حوادث غیر مترقبه کشور"، بصورت شفاف و صریح به حمایت های لازم و نیازهای این گروه آسیب پذیر جامعه با رویکرد مدیریت جنسیتی پرداخته نشده است. که پیامدهای جبران ناپذیری را می تواند دنبال داشته باشد. تحقیقات نشان میدهد زنان در بحران نسبت به مردان آمادگی بیشتر و حتی زمینه های لازم برای مشارکت در فعالیتهای امدادی دارند (شادی طلب، ۱۳۷۲)، و اگر چه زنان سرپرست خانوار تمامی مساعی خود را بکار می برند تا هر چه سریعتر از بحران خارج و به روال عادی زندگی برگردند اما فقدان حمایت های اجتماعی در زمان بحران و بلایای طبیعی با توجه به بسترهای فرهنگی و عواملی که بیانگر روندهای بنیادین اجتماعی در برخی از جوامع می باشند، مانع از مشارکت و دسترسی به فرصتهای برابر میشود که این موضوع خود منجر به آسیب پذیری بیشتر آنان می گردد.

طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵، با رشد ۶٫۲ برابری زنان سرپرست خانوار طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵) مواجه هستیم؛ به گونه ای که تعداد زنان سرپرست خانوار از ۴۹۰۵۳۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۰۶۱۷۵۳ خانوار در سال ۱۳۹۵ رسیده است و توجه به این موضوع که در طرح پارادایم جدید فقر؛ فقر زنان را معادل فقر زنان سرپرست خانوار می شمارند (شادی طلب، ۱۳۸۳)، توجه جدی به حمایت های اجتماعی از این قشر به عنوان یکی از مولفه های توانمندسازی ضرورت پیدا می کند. از طرفی با کمبود تحقیقات کیفی در زمینه بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار در زلزله و سایر بحرانها و بطور اخص تجربه حمایت های اجتماعی مواجه هستیم و شکاف دانش و تحقیقات موجود در این زمینه کاملاً مشهود می باشد. لذا مطالعه حاضر با یک دیدگاه جنسیتی، تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار کرمانشاه از حمایت های اجتماعی در زلزله سال ۹۶ را مورد تشریح و تحلیل قرار می دهد.

پیشینه تحقیق

مرور این ادبیات نشان می دهد که یگ الگوی جنسیتی در همه سطوح فرایند سوانح طبیعی اعم از در معرض ریسک قرار گرفتن، برداشت و درک از خطر، آمادگی، پاسخ به وضعیت، تاثیرات فیزیکی، روانشناختی، جامعه شناختی، بازیابی و بازسازی وجود دارد (حبیب پورگنابی، ۱۳۹۷). نتایج تحقیق (Neumayer & Plümper, 2007) با یک رویکرد آسیب پذیری جنسیتی به فاجعه ها در طول سالهای ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۲، نشان می دهد که نابرابری در معرض خطر قرار گرفتن و نابرابری در دسترسی به منابع (منابع اجتماعی و شخصی)، قابلیت ها و فرصت ها که به لحاظ اجتماعی شکل گرفته به طور سیستماتیک بعضی از گروه ها را از بین می برد و آنها را بیشتر در معرض خطر بلایای طبیعی قرار می دهد.

¹ Stroebe, W

² Luo, L

پرفسور (2008, Gokhale) در ۱۴همین کنفرانس جهانی مهندسی زلزله عنوان میدارد که نابرابری های موجود علت اصلی آسیب پذیری زنان در فاجعه است. زنان سرپرست خانوار به ویژه آسیب پذیرند، زیرا منابع کمتری را در اختیار و تحت کنترل خودشان دارند. زنان سرپرست خانوار در موقعیت بحران در تامین امنیت غذا، اسکان و نیازهای خانواده مسئولیت بیشتری را بر عهده می گیرند اما کمترین حمایت را دریافت می نمایند. مطالعه (2000, Enarson) نشان می دهد، کار زنان به شدت تحت تاثیر بلایای طبیعی است و زیان های اقتصادی آنها ناشی از فاجعه می تواند گسترده باشد. مسئولیت زنان به شدت افزایش می یابد در زمانی که سیستم های حمایتی و پشتیبانی عمومی و شبکه های خانوادگی کم می شوند یا از بین می روند. فضاهای زندگی آسیب دیده، برای تمام زنانی که در آمدشان از طریق کار خانگی تامین می شود، به معنای از دست دادن فضای کاری، ابزار، تجهیزات، کالاها، تدارکات کالا و بازار است. نتایج تحقیق (قربانی، ۱۳۹۷)، نشان می دهد که حمایت اجتماعی بعنوان یکی از مهمترین عوامل در حوزه مسائل زنان سرپرست خانوار بر توانمندسازی آنان تاثیر مثبت دارد و امکان دستیابی به منابع اجتماعی، مشارکت اجتماعی، احساس تعلق و رفع مشکلات عاطفی و روحی فراهم می نماید. نتایج تحقیق دارابی (دارابی، ۱۳۹۲)، عوامل زیادی به داشتن این وضعیت کمک می کنند که یکی از مهمترین آنها حمایت اجتماعی^۱ است. حمایت اجتماعی میزان بر خوداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. برخی حمایت اجتماعی را واقعیتی اجتماعی و برخی دیگر آنرا ناشی از ادراک فرد می دانند. تحقیق افتخاری و همکاران نشان می دهد، امکان دسترسی برابر به منابع اجتماعی، امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفع فقر و نابرابری در ارتقاء کیفیت زندگی تاثیر می گذارد. این موضوع برای زنان سرپرست خانوار در جامعه محسوس تر است. نابرابری یاد شده علاوه بر تحمیل فشار روانی-اجتماعی، موجب پایین آمدن سطح زندگی آنان نیز می شود. نتایج تحقیق بادنجانی به نقل از (قربانی، ۱۳۹۷) نشان می دهد که زنان سرپرست خانوار در موقعیت استرس زا در مقایسه با زنان عادی در برابر استرس آسیب پذیر ترند.

میدان مطالعه

زلزله ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۹۶ تمامی ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه را لرزاند اما ۸ شهرستان دچار خسارات جانی، مالی و روحی - روانی زیادی گردید. این ۸ شهرستان شامل شهرها و روستاهای تابعه سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی، قصر شیرین، پاوه، روانسر، اسلام آباد، دالاهو و جوانرود بود. فاجعه زلزله ۶۲۰ نفر کشته، ۹۳۸۸ نفر زخمی و بیش از ۷۰۰۰۰ بی خانمان بجای گذاشت که بیش از ۵۰۰ نفر آن مربوط به شهرستان سرپل بود طبق اعلام پزشکی قانونی تعداد زنانی که در زلزله کرمانشاه جان خود را از دست دادند حدود ۵۶ درصد و بیشتر از مردان بوده است و این موضوع خود نشان از آسیب پذیری بیشتر زنان در بلایا دارد. مطابق سرشماری سال ۹۵ جمعیت استان ۱۹۵۲۴۳۴ نفر می باشد؛ تنوع گویش مردمان این دیار کردی، لکی، اورامی بوده و دو مذهب غالب، شیعه و سنی است که در کنار یکدیگر زندگی می کنند. استان دارای موقعیت جغرافیایی کوهستانی؛ از قسمت غرب با کشور عراق همسایه می باشد و بخشی از مناطق زلزله زده از جمله قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلانغرب تجربه ۸ سال دفاع مقدس را داشته و تا حدودی زخمهای روحی - روانی ناشی از مشکلات جنگ را در وجود خود کماکان حس می کنند.

در بین کل کشور، استان کرمانشاه رتبه ۱۸ از حیث شاخصهای زیر بنایی و اجتماعی و رتبه ۱۹ از حیث شاخصهای توسعه ای می باشد (حسینی، ۲۰۲۰) و همچنین شهرستانهای زلزله زده جزء شهرستانهای کم برخوردار در تقسیم بندی کشوری می باشد (همان منبع). طبق گزارش مرکز آمار ایران در پاییز ۹۸، استان کرمانشاه در بیکاری با ۱۸٫۴٪ رتبه اول کشور را دارد و از نظر زیرساختهای توسعه ای خصوصا در مناطق مرزی که شهرهای زلزله زده را نیز شامل میشود، بعد از بازسازی جنگ شاید بدلیل موقعیت استراتژیکی مورد کم توجهی بسیار از سوی دولت قرار گرفته و فاقد سرمایه گذاری اقتصادی و امکانات رفاهی جهت ساکنان منطقه می باشد و همین موضوع باعث فقر و محرومیت منطقه شده است.

^۱ Social Support

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی تحقیقات کیفی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند میدهد (محمدپور ۱۳۸۸: ۳۱۱-۳۱۴). تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهشهای کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آزمائی هستند، از چارچوب مفهومی استفاده می کنند. نظریه ها در تحقیقات کیفی، نقش مکمل و الهام بخش در فرایند پژوهش و تحلیل داده ها برای ایجاد "حساسیت نظری- مفهومی" جهت باز نمودن ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله های مورد پژوهش دارند. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۳۴). در تحقیق حاضر از رویکرد جامعه شناختی تفسیری-برساختی برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شده است. دیدگاه تفسیری انسان را به مثابه موجودی فعال، خلاق و معنا ساز تعریف می کند که مدام در حال ساخت و ساز و نیز معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات اجتماعی روزمره است. طبق رویکرد تفسیری^۱، منابع دانش و معرفت در تعاملات و کنشهای متعارف و روزمره افراد نهفته است و چیزی خارج از کنش متقابل مردم، معنادار نیست. بنابراین دانش عامیانه منبع عمده معرفت و دانش است و روش علمی باید بر این منابع تکیه کند (1984, Giddens) به نقل از محمد پور، (۱۳۹۰).

بر همین اساس، در این تحقیق به طور عمده سعی شده است با بهره گیری از رویکرد های تفسیری، جامعه شناسی روزمره برای درک تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار در بستر فرهنگی-برساختگرایی اجتماعی، مفهوم قدرتمندی^۲ (کبیر، ۱۳۸۹) که در مباحث فمینیستی پیرامون قدرت و جنسیت (از دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی) مطرح شده است، نظریه توانمندسازی سارا لانگه به عنوان الهام بخش فرایند تحقیق و حساسیت نظری، با ورود به نظام معنایی و ذهنیت افراد تحت مطالعه به بررسی و بازنمایی درک و تفسیر آنان از پدیده زلزله پرداخته شود. در این مطالعه از مفاهیم رویکردهای فمینیستی نیز بهره گرفته شده؛ بر اساس نظریات فمینیستی، موقعیت فرودست زنان در جامعه از طریق ایدئولوژیهای جنسیتی تداوم می یابد و این امر بطور مداوم تولید و باز تولید شده (2008, Militzer)، که موجب حمایتهایی از سوی اطرافیان می گردد که ریشه در "ضعف و ناتوانی" زنان دارد و مانع دسترسی به منابع حمایتی ارزشمند و توانمندسازانه میشود که در نهایتا آسیب پذیری زنان خصوصا زنان سرپرست خانوار بدنبال خواهد داشت. همچنین در این مطالعه از مفاهیم نظریه توانمندسازی "لی"^۳ که بر توانمندسازی زنان خصوصا زنان تحت ستم، محروم و آسیب پذیر از طریق آموزش و آگاه سازی به منظور توانمندسازی آنان در موقعیت های زندگی تاکید می نماید، بهره گرفته شده است (بین، ۱۳۹۱: ۵۵۷).

در این مطالعه از مفاهیم نظریه حمایتهای اجتماعی سارافینو (۱۹۹۸) در بعد کارکردی حمایت اجتماعی که شامل سه نوع حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی بهره گرفته شده است. بر اساس نظریه حمایت اجتماعی دوستان، خانواده و آشنایان و سایر شبکه های اجتماعی شرایطی را فراهم می کنند که موجب می شود یک فرد احساس امنیت، عزت نفس و ارزشمند بودن کند و خود را جزئی از شبکه ارتباطی بداند و تمام اینها فرصت خود شکوفایی و توانمندی را در مواجهه با مشکلات و بحرانهای زندگی فراهم می نماید.

روش شناسی تحقیق

روش شناسی عبارت است از شیوه تفکر در مورد یک واقعت و پدیده اجتماعی و روش نیز به معنای مجموعه ای از رویه ها و فنون برای گردآوری و تحلیل داده است (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸: ۳، به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). این مطالعه کیفی با روش نظریه زمینه ای (GT^۴) است، که در آن مفاهیم بر اساس زمینه فرهنگی-اجتماعی و موقعیتی که در آن رخ داده اند، تفسیر می گردد. روش گردآوری اطلاعات در این مطالعه "میدانی" و ابزار و تکنیک گردآوری داده ها مصاحبه باز همراه با سوالات نیمه ساختار یافته است. واحد مطالعه در این پژوهش، "مفاهیم" بدست آمده و استخراج شده از فرایند مصاحبه با شرکت کنندگان می باشد.

¹ Interpretive Approach

² Empowerment

³ Lee

⁴ Grounded Theory Method

بر اساس روش شناسی تحقیق کیفی، انسان محور و منبع اطلاعات است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۲). شرکت کنندگان در تحقیق یا جامعه هدف پژوهش، به معنای اشخاصی که قصد داریم با آنها مصاحبه کنیم یا مورد مشاهده قرارشان دهیم (فلیک، ۱۳۹۳: ۱۲۵)، "زنان و دختران سرپرست خانوار" هستند. از آنجا که نمیتوان در ابتدا با قاطعیت تعداد افراد مورد مصاحبه را پیش بینی کرد. (1993, Erlandsso) از نمونه گیری "هدفمند" برای انتخاب افراد و از نمونه گیری "نظری" برای تشخیص تعداد افراد، یافتن مسیر پژوهش، تشخیص کفایت داده ها، غنی نمودن ابعاد و ویژگیهای مقوله ها تا حد اشباع نظری (استراوس و کربین، ۱۳۹۴)، استفاده شده است. در این مطالعه با ۱۵ نفر از "زنان و دختران سرپرست خانوار" از شهرستانهای زلزله زده سرپل ذهاب، گیلانغرب، پاره، ثلاث باباجانی و قصر شیرین و اسلام آباد غرب که تجربه زنده و مستقیم از زلزله داشته اند، مصاحبه به عمل آمد که مصاحبه ها با این تعداد به اشباع نظری رسید و هیچگونه داده تازه ای که برای توسعه و تکامل تئوری در مطالعه حائز اهمیت است، پدیدار نشد (هومن: ۱۳۸۵، ۹۲). مصاحبه با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی و تمامی شرایط استاندارد از جمله تعیین مکان، زمان و سقف مصاحبه با توجه به شرایط ویژه مصاحبه شوندگان و حفظ رازداری، با نظر مشارکت کنندگان انجام شد. پس از اولین پرسش اصلی بصورت باز، در صورت لزوم در راستای سوال اصلی پژوهش در خلال صحبت ها به منظور فهم بیشتر پاسخها و کسب اطلاعات بیشتر، از سوالات نیمه ساختار یافته استفاده و تمامی مکالمات با کسب اجازه از شرکت کنندگان بدون قید نام ضبط گردید. میانگین تقریبی مصاحبه ها ۴۹ دقیقه بود.

جدول شماره ۱: ویژگیهای مشارکت کنندگان (Characteristics Of The Participant)

شماره مصاحبه	نام و نام خانوادگی	سن	تحصیلات	محل زندگی	وضعیت مسکن	وضعیت تاهل	وضعیت شغل	تعداد فرزند
۱	لیلا. ج.	۳۷	فوق دیپلم	سرپل ذهاب - شهر	مستاجر	فوت همسر در زلزله	خانه دار (بیکار)	۲ فرزند
۲	شونون	۳۳	ارشد	پاره - شهر	شخصی	مطلقه	کارمند	یک پسر ناشنوا
۳	فوزیه ج.	۵۳	لیسانس	گیلانغرب - شهر	شخصی	فوت همسر	مدیر موسسه خیریه	یک دختر
۴	خانم ع.	۴۸	سیکل	قصر شیرین - روستا	شخصی	مجرد	خانه دار (فرش بافی)	ندارد
۵	ملیحه ا.	۶۲	بی سواد	سرپل ذهاب شهر	شخصی	همسر از کار افتاده	خانه دار	۲ فرزند بیمار
۶	رعنا خ.	۷۵	بی سواد	سرپل ذهاب شهر	مستاجر	همسر از کار افتاده	خانه دار، شغل فصلی	دختر بیمار اعصاب
۷	خانم م.	۵۰	ابتدایی	ثلاث - شهر	مستاجر	مطلقه	پارچه فروشی	۴ فرزند
۸	خانم ف.	۶۰	بیسواد	ثلاث - روستا	شخصی	فوت همسر	خانه دار	۶ فرزند
۹	لیلا س.	۳۳	سیکل	ثلاث - شهر	مستاجر	همسر معتاد	خانه دار	۲ فرزند
۱۰	خانم ع	۷۰	بیسواد	سرپل روستا	شخصی	همسر فوت	خانه دار	۴ فرزند
۱۱	خانم ش	۴۷	ابتدایی	سرپل روستا	شخصی	همسر فوت	خانه دار	۱ فرزند
۱۲	خانم گل	۵۷	بی سواد	سرپل - شهر	مستاجر	همسر فوت شده	خانه دار	۴ فرزند، نوه بازمانده
۱۳	ایران	۴۵	ابتدایی	سرپل - شهر	مستاجر	همسر فوت شده	خانه دار	۳ فرزند
۱۴	فاطمه	۵۵	بیسواد	سرپل شهر	شخصی	همسر فوت شده	خانه دار	۶ فرزند
۱۵	ناهید م.	۴۴	سیکل	اسلام آباد - شهر	بستگان	همسر فوت شده	خانه دار	دو پسر

تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نظریه زمینه ای در سه مرحله کدگذاری باز^۱ (اولیه و ثانویه)، محوری^۲ و گزینشی^۳ انجام شده است. از کد گذاری باز اولیه، ۹۸۷ مفهوم بدست آمد که این مفاهیم بیانگر دیدگاه عمومی شرکت کنندگان در رابطه با حمایت اجتماعی در زلزله می باشد و پس از مرتب کردن و مقایسه کدهای باز متداخل و متشابه، ۱۵۰ مفهوم به عنوان کدگذاری باز ثانویه استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری، ۴۱ مقوله و از دسته بندی و انتزاع مجدد آنها، ۸ مقوله عمده نهایی و مفهوم مرکزی "حمایت اجتماعی؛ اولویت درک شده زندگی" که اکثر مقوله های بدست آمده را پوشش داده و مضمون اصلی سوال پژوهش است، پدیدار گردید.

¹ Theoretical

² Open coding

³ Axial coding

⁴ Selective coding

روایی و پایایی^۱ پژوهش

در این پژوهش با استفاده از معیارهای لینکلن و گوبا، از دو معیار "اطمینان پذیری و باور پذیری" (رضاپورنصرآبادی، ۱۳۹۶) سنجش روایی و پایایی، در واقع صحت و استحکام مطالعه انجام شده است:

اطمینان پذیری (پایایی) که اعتماد به هدایت دقیق جریان مصاحبه، داده های گردآوری شده، ثبت و ضبط آنها و اطمینان به روش اجرای تحقیق، تفسیر مصاحبه ها و کدگذاری ها می باشد از طریق نظر خواهی از اساتید علمی و همکاران تخصصی انجام گرفت که همان مقوله ها استخراج و تفسیر شد. به منظور باور پذیری (روایی) و اعتماد به اینکه بر ساخته های تحقیق برای سازندگان واقعیت پذیرفتنی است، از مقایسه نظریه با داده های خام و همچنین عرضه آن به تعدادی از شرکت کنندگان استفاده شد. که مورد تأیید مشارکت کنندگان قرار گرفت. همچنین از تکنیک مثلث سازی^۲ به عنوان روش دیگری به منظور تعیین دقت این تحقیق استفاده شده است. به منظور غلبه بر سوگیریهای اصلی (ذاتی)^۳ و بالا بردن دقت علمی نتایج تحقیق استفاده شده است.

یافته ها

در این مطالعه از تحلیل مفاهیم به روش نظریه زمینه ای، ۸ مقوله محوری عمده نهایی شامل: "گذرا و مقطعی"، "حمایت کننده های شخصی"، "استفاده ابزاری"، "رویدادهای سخت زندگی"، "تنهایی و ترس"، "احساس رها شدن و بدبینی"، "بی عدالتی و تبعیض"، "احساس ناتوانی" و در نهایت مقوله هسته "حمایت اجتماعی؛ اولویت درک شده زندگی" به عنوان پاسخ سوال اصلی پژوهش استخراج گردید که بیانگر درک و تفسیر زنان مشارکت کننده در تحقیق از حمایت های اجتماعی در زلزله می باشد. هر یک از این ۸ مقوله محوری خود دارای مقوله های فرعی می باشند که در جدول شماره ۲ آمده است.

"گذرا و مقطعی"

مشارکت کنندگان حمایت های اجتماعی را "گذرا و مقطعی" درک و تفسیر کرده بودند. برخی از آنان اظهار داشتند اگرچه سیل کمک های مدنی و دولتی، حمایت اقوام، خانواده و دوستان در یک مقطع زمانی کوتاه بصورت احساسی و هیجانی مشاهده می شد اما در مقطع زمانی کوتاه بسرعت رو به افول نهاد و بازماندگان با دریایی از مشکلات به فراموشی سپرده شدند. مشارکت کنندگان بخش عمده این مسئله را به وضعیت اقتصادی خویشاوندی، فقر و عدم تمکن مالی آنان، مشغله کاری و خستگی و همچنین بی توجهی دولت به وضعیت خاص آنها نسبت می دادند.

کم کم که میگذرد محبتام خوب دور میشه اولش خیلی زیاد و کم کم همه میرن سرزندگی شون. خوب مشکلات زندگی خودشان را دارند "اصلا فراموش میشی" مثلا من همین که از رو ویلچر بلند شده یک هزارم شد اون محبت ها؛ گفتن دیگه سر پا شده (۱)
ما از آن روز ازل کارگر بودیم از اون روزی که بود. بچه ها هم همینطور کارگر؛ چون ضعیف بودیم. پنج تا پسر به دخترم سرزندگی خودشونه این دو تا هم پیش من محبت می کنن اما دستشان نمیره پسرم زنگ میزنه اما خوب دوره زمانیه که خودشون بچه دارن نمیرسن زیاد بیان (۵)

برخی از مشارکت کنندگان اظهار داشتند که خصوصا در ابتدای بحران از هیچ حمایتی برخوردار نبودند و بدلیل شرایط خاصی که داشتند کمکها تا حدود زیادی بدست آنان که واقعا نیازمند آن بودند، نمی رسید:

ما خیلی بی کس و بدبخت بودیم همه کوچه فرار کرد ققط ما ماندیم. من با این دخترای مجرد تنها با شوهر معلول وسط کوچه وایساده بودیم... بی نظمی بود خیلی و دولت هم خودش اصلا هیچ کاری نمی کرد (۶)

شاید چیزی باشه که شما تازه میشوی این که من تو ته دلم مونده همه اومدن زن و بچه هاشون رو برداشتن و بردن اما منو پسرم تنها موندیم. این تو دلم مونده... (۲)

¹ Validity & Reliability

² Triangulation

³ bias

نیاز به حمایت‌های اجتماعی را از تفسیر و درک مشارکت کنندگان می‌توان در سه نوع تقسیم بندی سارافینو جای داد یعنی حمایت‌های عاطفی، مالی و حمایت‌های اطلاعاتی

جدول شماره ۲: مفاهیم اصلی، مقوله‌های عمده نهایی، مقوله هسته (مرکز)

مقوله هسته (مرکز)	مقوله‌های عمده نهایی	مفاهیم اصلی
اولویت درک شده زندگی	"گذرا و مقطعی"	حمایت‌های خانوادگی (جستجوی حمایت) حمایت‌های مقطعی و گذرا سرمایه اجتماعی گذرا کمک‌های احساسی و هیجانی
	"حمایت‌کننده‌های شخصی"	تاب‌آوری اجتماعی- استقامت دینی حفظ ظاهر امید به زندگی و ایجاد انگیزه تقدیرگرایی تلاش برای استقلال
	"رویدادهای سخت زندگی"	سپر بلا زندگی در خیابان اداره زندگی در شرایط سخت و محدودکننده چالش بهداشتی و بیماری چالش کار و درآمد مخاطرات اسکان
	"استفاده ابزاری"	استفاده از خلا عاطفی نگاه ابزاری- استفاده سوء جنسی از جایگاه حرفه چشمداشت
	"تنهایی و ترس"	مقایسه و حسرت تنهایی و خلاء عاطفی ترس از آینده سرگردانی و بلاتکلیفی تامین نیازهای فرزندان
	"بی‌عدالتی و تبعیض"	بی‌توجهی به قشر آسیب‌پذیر وعده و وعید تبعیض جنسیتی و نابرابری اجتماعی فراست‌مردان
	"احساس ناتوانی"	زمینه مشکلات چند بعدی خانواده فقر مزمن محرومیت منطقه کلیشه‌های فرهنگی نداشتن آزادی عمل قضاوت و پیشداوری ضعیفه و فرودستی
	"احساس رها شدن و بدبینی"	رها شدن درماندگی ناتوانی در بازسازی خستگی و فرسودگی سخت شدن زندگی و ناراضی‌ت بی‌بینی

"حمایت کننده های شخصی"

این مقوله عمده از ۷ مقوله فرعی تشکیل شده است. مشارکت کنندگان از استراتژی های تاب آوری، تقدیر گرایی، سپر بلا شدن، استقامت دینی و توکل، امید به زندگی و ایجاد انگیزه و تلاش برای استقلال به عنوان حمایت کننده های شخصی بهره بردند. تاب آوری به عنوان یک ویژگی فردی برای مقابله با سانحه موضوعی فراتر از آمادگی در برابر آن است و به فاکتورهای مختلفی مانند حمایت های مردمی که در آن جامعه زندگی می کنند، خود اتکایی و منابعی که در دسترس می باشد بستگی دارد پیران، ۱۳۸۲: ۳۰-۴۸). این در حالی است که زنان مشارکت کننده در میدان مطالعه بدلیل بستر فرهنگی و فقدان مدیریت بحران برای این گروه اجتماعی از حمایت های لازم برخوردار نبوده و امکان دسترسی به منابع اجتماعی، تعامل و مشارکت اجتماعی را نداشتند.

می خوام به آدم موفق باشم. باید آدم موفق باشم سر بار جامعه نباشه سر بار فامیل نباشه (۱)

من نمیگم که ندارم نمیگم احتیاج دارم، البته بگم بیشترین کاری که میکردم تظاهر به این بود که از داماد هامون هم محکم ترم (۲)
بدم میاد همه بفهمن از دردم دوست ندارم. آتیشم تو دلم باشه میخندم همیشه حفظ ظاهر می کنم. بعضی کسا درک نمیکنن واقعاً به آدم میخندن (۴)

من نمیگم که ندارم نمیگم احتیاج دارم، البته بگم بیشترین کاری که میکردم تظاهر به این بود که از داماد هامون هم محکم ترم (۲)
مشارکت کنندگان در نبود حمایت های لازم، استقامت دینی، توکل و امور معنوی را به عنوان حمایت کننده شخصی درک کرده بودند.

...خودمو مقایسه می کنم ولی خدا رو شکر می کنم دیگه میگم خدایا خودت کمک کن میگم برادر هیچ نیست شوهرش نیست فقط خدا (۸)

واقعا میگم اعتقادات مذهبی تاثیر خیلی زیادی خیلی خوبی بر روی مقاومت خانم ها داره (۲)

من دنیا قیامت به این چیزا نمیفروشم اصلاً از زندگی لذت نبردم هیچی، ایمانم نداشته باشم دیگه زندگی برام چه معنی داره (۱۲)
امید دادن و تلاش برای استقلال و توانمندی در بستر فرهنگی با ساختار قدرت جنسیتی میدان مطالعه به عنوان حمایت کننده شخصی از سوی مشارکت کنندگان درک شده بود

خب فکر کردم دیگه تنها شدم باید به کاری بکنم خودم به حرکتی بکنم باید محکم باشم باید به توانایی داشته باشم (۱)
بدترین تهمتم باشه شما میگی خدا میدونه خوب بزار هرچی میخوان بگن این بی خیالی باعث میشه خیلی قوت قلب بگیری (۲)
من اهمیت نمیدم من میگم خودم به خودم اطمینان دارم راه درست دارم میرم به کسی چه ربطی داره برای خودم دارم زندگی می کنم (۴)

"رویدادهای سخت زندگی"

از دید زنان مشارکت کننده شامل موارد مربوط به مشکلات زندگی روزمره و استراتژی ها در زمان زلزله بود که بدون حمایت و به تنهایی بدوش می کشدند و در صدد رفع آن بر می آمدند اگرچه وضعیت بغرنجی را برایشان بوجود آورده بود؛
منو خواهرم تا ساعت چهار صبح می رفتیم دنبال چادر این و اون. چهار صبح برمیگشتیم دست خالی کامیون کامیون چادر می آمد اما به من و خواهرم نمی رسید. به همه فحش میدادم.... بعد از پنج شب به ما چادر دادن (۶)

وقتی دوباره به خودمون نگاه کردم دیدم جز خودمون کسی نیست جز من و مادرم و خواهرم نیست که بار زندگیمونو ورداره. خوب چاره ای نیست دیگه باید ساخت خدا خواسته سرنوشت ما اینجوری رقم خورده... چادر بهمان ندادن بعد می رفتیم نی می آوردیم (منظور خیزران بود) و کپر درست کردیم. بععلدا تو سرما به بدبختی چادر به ما دادن دیگه نیامدن پیرسن ما تو این چادر چه نیاز داریم. حالا دیگه مسئولیته. دیگه هرچی خراب میشه خودم درست. مثلاً برق خراب بشه خودم انجام میدم (۴)

چادر به اون سنگینی را خودم وصل کردم و گذاشتمش روی شوئم آوردم خودم نصبش کردم (۹)

یکی از مشارکت کنندگان روایت میکرد

: خیلی سخت بود بی غذایی کشیدم بی نانی و بی آبی کشیدیم آب گل آلود بود... اصلا یک ماه حمام نکردیم (۱۰)

یه چیزی میگم جای پخش نشه اما شما باور می کنید من برای خرید یه دونه ملزومات در مانده ام (۱۲)

مشارکت کنندگان از تجربه سخت نداشتن درآمد، از دست دادن مشتری، نبودن شدن سرمایه و تجهیزات کارخانگی شان با غم و اندوه فراوان صحبت می کردند و از بی توجهی و عدم حمایت جدی مسئولان در راه اندازی مجدد کسب و کار که تاثیر زیادی بر فقر بیش از پیش آنان داشته ابراز نارضایتی داشتند.

: همون مغازه چرخ سر دوز دارم که اینا خراب شد یعنی در واقع وسایل امرار معاش من خراب شد... الانم پول نداریم مغازه را کامل کنیم (۱۴)

حدود ۱۲ تا گوسفند داشتم زیر آوار رفت همه تلف شد و چون کارشناسی نشد این خسارت به من تعلق نگرفت الان اصلا هرچی زور میزنم من میتونم ی چیزی بخرم همه دو برابر شده نمیتونم (۱۲)

مشارکت کنندگان گرانی های خودشان را از وضعیت مسکن با توجه به بی سرپرستی و فقدان حمایت اینگونه روایت میکردند:

والله خانوم دستت درد نکنه من فقط یه دونه اتاق می خوام که این دخترام توش باشند زندگی کنن.. مستاجریم در به درم هر سال میریم توی خونه... (۶)

دوازده میلیون وام گرفتم دادم (رهن) خب برای من خلیه الان من باید با این بی سرپرستی از کجا بیارم. خونه میگیریم یه کوچه خوبه یه کوچه بده من چه می دونم کجا برم (۱۳)

سپر بلا شدن و از خود گذشتگی یکی دیگر از استراتژی های زنان مشارکت کننده در زلزله بوده است. خصیصه ای فردی که ریشه در عزت نفس فرد دارد. در فرهنگی که گذشت از خواسته های شخصی به نفع خانواده و خصوصا فرزندان ارزش فرهنگی است و به نوعی تمجید را دنبال دارد زنان اولین قربانیان فداکاری و از خود گذشتگی (سپر بلا شدن)، برای اعضای خانواده هستند. تعهد و مسئولیت پذیری، ایفای نقش های چندگانه و پذیرش بار تکفل از نظر مشارکت کنندگان به عنوان حمایت کننده فرزندانشان باعث آرامش و امنیت آنان شده بود.

وقتی آدم سرپرست میشه مسئولیتش خیلی فرق داره. یه بار مسئولیت پدر و مادر که رو شونه خودت میمونه. مثلا وقتی میای بیرون توی فضای بیرون تو این چادر میشینی بچه ها (دیگه) میرن با پدر و بازی می کنن تو باید جور پدر را هم بکشی، باید این خلا عاطفی را پر کنم گاهی (۲).

"استفاده ایزاری"

بعد از سوانح و بلاهای طبیعی، زنان آسیب هایی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی تجربه می کنند. مشارکت کنندگان در روایت های خود بطور مداوم از فضای نا امن و تهدید کننده با توجه به تنهایی و بی سرپرستی صحبت می کردند. اغلب مشارکت کنندگان در روایات خود حمایت های مالی و عاطفی در زلزله را ایزاری و به منظور سو استفاده درک کرده بودند.

خیلی زیاد داشتیم خیلی کسایی که میومدن برای مشاوره به دنبال طعمه میگشتن. منطقه آسیب دیده است دیگه خلاء روحی - روانی، عاطفی داره. خیلی از زنان سرپرست خانوار دارن این مشکل رو؛ ببینید این یه تعارضه بین خواستن و نخواستن (۲)

دیگری از کمک ایزاری برخی از خیرین میگفت:

رفتم به ی خیر رو بندازم.... باور کن شما میدونی انتظار تجاوز به من داشت میخواست یک میلیون به من بده و من رو صیغه کنه. می گفتم من از خودت خوشم اومده بچه هام خونه نیستن میشه یه سر بیا پیش من (۱۲)

نزدیک میشدی حتما دست میزدن. مردا دست درازی هم می کردن خیلی وضع بدی. دخترم بهشون گفته الان اومدیم دنبال چادر وقت این کارا نیست خجالت بکشید دخترم (۶)

ی آقای مریوانی رنگ زده گفته من دو تا خونه دارم یه خانمی که بی سرپرست شده رو به من معرفی کنید ... خیلی میخندید و میگفت از جون و دل مایه میدارن (۱)

حتی مشاوره ها و کمک های حرفه ای را نیز به عنوان یک تهدید تفسیر می نمودند تا حمایت روانی - اجتماعی. مشارکت کننده ای که همسرش را در زلزله از دست داده بود گفت:

... این که احساس می کردم داره صمیمی میشه حس خوبی نداشتم. این آخر که کلمات خانم شد ف خانوم بعد ف خانوم شد ف جان بعد شد جانم بعد شد عزیزم هی کلمات عوض شد. دود از کله م بلند شد انقدر حالم بد شد. گفتم این همه مدت به قصد کمک نبوده به قصد استفاده خودتون بوده. گفتم من احترام شما را خیلی گذاشتم اصلا به چشم پدری من به شما نگاه کردم... (۱)

"تنهایی و ترس"

این مقوله عمده از ۶ مقوله فرعی تشکیل شده است. مشارکت کنندگان احساس تنهایی و ترس را در زلزله بدلیل فقدان حمایت های اجتماعی پایدار تجربه کرده بودند

اصلا هیچ امیدی ندارم بعضی وقتا می خوام خودمو بکشم چرا باید بمونم. وقتی هیچکسی ندارم وقتی کسی نیست کمکم کنه چیکار کنم ... خودمم میدونم که یه ستون محکمی هستم برای دخترام (۸)

خوب خیلی سخت بود خب توی زلزله برادر شوهرم رو دیدم کنار زن و بچه ش همسایه ها همه کنار بچه های خودشان بودند لباس آوردن براشون، پتو آوردن براشون (۱۵)

نمیدونستیم کدوم طرفه کجا بریم ی پیرمرد اومد گفت مادر چرا اونجا نشستین دختراتو بردار و برو من گفتم خوب چیکار کنم کجا برم (۶)

با اه و حسرت گفت خب اگر ما پدر بود یا کسی بود مردی بود الان یه سرپناه داشتیم (۴)

خواهر همون با بچه هاش کانکس برده بودند اما حتی زیر انداز هم نداشت اما می خوام بگم که مرد سرپرست باشه توی خانواده تو شرایط بحران خیلی مهمه خیلی تاثیر گذار (۱)

میگفتن همسر نداریم کسی نیست کمکمون کنه اینا شوهراشون بهشون کمک میکنه

لیروی (۲۰۰۴) طی بررسی خانوارهای تک والد زن سرپرست نشان میدهد که مادران و فرزندان خرد سال آنها بیش از سایر اقشار اجتماعی مستعد فرو رفتن در دام فقر هستند، بنابراین بیش از سایر اقشار نیاز دارند که تحت حمایت های بیمه ای و خدمات تأمین اجتماعی باقی بمانند

مشارکت کنندگان نگرانی ها و تنگنا های مالی خود را در ارتباط با فرزندانشان و آینده مبهم آنان بدون حمایت های اجتماعی چنین توصیف میکردند:

ببینید زن سرپرست خانوار انبوهی از مشکلات داره اولین مشکلاتی که داره مشکلات اقتصادی با هزینه های بالای زندگی امروز چی میخوره چیه میخوابه چی میپوشه چی بپوشه توی جمع چی بپوشه بهتر باشه کمتر از بقیه نباشه مثلا من ی پولی میزارم برای کفش هر دو تا مون ولی از پول کفش خودم میزنم کفش گرون قیمت میخرم برا پسر من که از بچه های داداشم و خواهرام بهتر باشه... میخواد واگر من نتونم این نیازش را برطرف کنم پس چه مادری هستم... (۲)

که ناراحت شدم بچه هام اگر مشکلی براشون میشد هیچ راه در آمدی نداشتم این دو تا بچه رو چه کار می کردم. هنوز نداشتم لباس نشان کهنه باشه اونم به قسطی میارم میگم پشت سر بهشون کسی حرفی نزنه اما سر سفره هرچی باشی هیچی نمیگن بچه های من ماه است ۲ ماه هست خدا شاهده که میوه به چشم نمی بین (۱۵)

من فقط یه دونه اتاق می خوام که این دختران توش باشند زندگی کنن. من دیگه کارم تمومه پدرشم کارش تموم فقط یه اتاق باشه برای این دخترا (۶)

الان دیگه نیاز مالی دارم فشار مالی هم اذیت میکنه. چون احساس می‌کنم دیگه خودم توانایی اداره زندگیمو دارم هدفهام مشخصه؛ می‌خوام به آدم موفق باشم و بیشتر روی ستاره (دخترم) تمرکز دارم که حتما به یه جایی برسونمش ولی خوب الان مسابقات میخواد بره، من الان هی درگیرم (با خنده میگفت ندارم...) (۱)

خیلی ناراحت بودم همه در آغوش گرم پدر بودند ولی بچه‌های من خیلی واقعا برام سخت بود (بغضش گرفت و گریه افتاد) رفتم کنار بچه‌ها هر دو تا رو بغل گرفتم گفتم ناراحت نباشید خدا هست (۱۵)

"بی عدالتی و تبعیض"

مقوله‌ای که اغلب مشارکت کنندگان در روایت‌های خود بطور واضح زوایت می‌کردند؛ بی توجهی مسئولین به قشر آسیب پذیر، عدم شناسایی و برنامه ریزی متناسب با نیاز آنان، بی عدالتی جنسیتی در توزیع، منجر به اتلاف وقت و انرژی و ناکامی زنان مشارکت کننده از دریافت امکانات مورد نیازشان شده بود.

ما مثل بقیه نیستیم واقعا ما خیلی وضعمون بده سرپرست من خیلی وضعش بده (۶)

به نظرم دولت باید لیستی تهیه می‌کرد مارو توی اون لیست قرار می‌داد (۲)

دیگه تا دو سه روز چادر نداشتیم ما چون هیچکی رو نداشتیم (۴)

تا شش ماه توی چادر بودیم وسط خیابون باد و باران بی آبی بی غذایی، مسمومیت، دل درد و... آب قطع، گاز قطع،... کسی که مرد داشت پسر داشت کمک می‌گرفت ما همین دور وایسادیم... کسانی میشناختم کمک توزیع می‌کردن اما می‌دادن به فامیل‌های خودشان (۱۳)

از دیدگاه تفسیری - بر ساختگرایی، برنامه ریزی و مدیریت سوانح، تأثیرات و پاسخ به آن و حتی تحقیق درباره آن اساساً فرایندهای اجتماعی اند. در نتیجه، کل جهان در یک جو تبعیض آمیز علیه زنان اتفاق می‌افتد و جریان دارد. تجربه اجتماعی، سوانح، روابط، کردارها و "نهادهای اجتماعی جنسیتی شده" را بازتاب میدهد و سوانح در این نظامهای اجتماعی کاملاً جنسیتی شده آشکار میشوند (حیب پور گتایی، ۱۳۹۷: ۴۸۱-۴۵۷)

تبعیض، چشمداشت و فرایندهای اعمال قدرت و نگاههای جنسیتی هنگام دریافت کمک‌ها، مدیریت بحران را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است و در تجربیات اغلب شرکت کنندگان فقدان حمایت اجتماعی و تضعیف حقوق آنان بدلیل همین دلایل شنیده میشود.

هر چه اصرار می‌کردم التماس می‌کردم خانه ام خراب شده محض رضای خدا کارشناس بیاد... گفتن خانم تمام شده اما شخصی (مردی) جهاد بود رئیس جهاد بود من نشسته بودم خودشان گفتن اصلا ایشان چون آقا بود چون رئیس یک کارشناس بهش میدیم... از بی عدالتی حرص می‌خوردم. تبعیض شخصیتی و جنسیتی تا دلت بخواد بود تو مملکت ما خیلی زیاده. (۳)

دیگری میگفت: من بارها و بارها توی اداره رفتم دیگه خسته شدم... گفتن باشه فردا فردا.. مثلا پروندتون تکمیل نیست تکمیل نشده و یا گم شده یا نمیدونم از این حرف‌ها... دیگه عصبی میشدم ناراحت میشدم تا دوروز سردرد می‌گرفتم آخرین کسی که در اون روستا خسارت گرفت من بودم همه گرفته بودن (۴)

هر کس تو فرمانداری و بخشداری و هلال احمر کسی رو داشت ایشان خوب میرسیدن اما به ما اصلا (۸)

همچنین مشارکت کنندگان حمایت‌های اجتماعی تحقیر برانگیز تفسیر نمودند که در آنان احساسی ترحم و تحقیر را بر می‌انگیخت: نمی‌آمد درخونه‌ها بده یا بگه صف وایسید. ما باید میرفتیم تا سر خیابان اونم تازه پرت می‌کردن برای مردم این توهین بود... می‌گفتن ضعیفه هستن گناه دارن کاری برایشان بکنید ولی من بدم میاد (۴)

مردم هم دور از جون اون‌ها نمیدونم چی بگم مثل سگ دجال دور از جان آنها دنبال این کامیون می‌دویدند برای یه بطری آب من فقط سر تکون میدادم... من اون‌هایی که توزیع می‌کردن مقصر می‌دانستم چون هم سواد داشتن هم مسئول بودن (۳)

¹ Gendered Social Institutions

"احساس ناتوانی"

از دیدگاه زنان این مقوله به موانع ایدئولوژیک و فرهنگی سرکوبگر زنان در محیط زندگی آنان جایی که ساختار قدرت جنسیتی اعمال میگردد، اشاره دارد که هرگونه قدرت تصمیم گیری^۱، اختیار، تحرک و فعالیت اجتماعی را در دسترس و کنترل به منابع و امکانات مورد نیاز در زمان بحران را محدود می کند و این موضوع بطور چشم گیری در روایتهای زنان مشاهده می شد. وقتی که میرفتیم وسیله می گرفتیم یه آشنا اونجا بود گفت تو رو خدا برید دستمو کشید گفت برید اینجا مناسب شما نیست گفتیم خوب چیکار کنیم مجبوریم. کنسرو رو پرت میکردن خوب نمیگفتن این ممکن سرش بشکنه... انقدر داد میزدیم که صدام می گرفت ولی هیچکی نمی شنید(۶)

ارزشها و انگاره های فرهنگی حاکم بر اغلب جوامع سنتی و متعصب، رفتارها و کنش های اجتماعی خاصی را از زنان تنها انتظار دارد که عدول از آن چارچوبهای تعریف شده اجتماعی که اغلب ریشه تاریخی و مذهبی دارند، منجر به پیشداوری از سوی دیگران و برچسب^۲ بدنامی می گردد. نوع پوشش، آرایش، حدود و مرز روابط و تعامل اجتماعی با سایر افراد جامعه خصوصاً با مردان کاملاً تعریف شده می باشد؛ همواره این تعاریف با توجه به تفاسیر متفاوت از فرهنگ و مذهب، شامل روایتهای شفاهی و کتبی و نظامهای ارزشی، برای توجیه نیروهای ناتوان ساز زنان مورد استفاده قرار می گیرد (کبیر، ۲۰۰۱: ۷۵)، و حتی با عنوان "حمایت گری" از سوی افراد خانواده حتی فرزندان ذکور بزرگتر به عنوان صاحبان ساختار قدرت جنسیتی^۳ توجیه می گردد. این گونه از حمایتگری نه تنها باعث رضایتمندی در زنان سرپرست خانوار نمیگردد بلکه آنان را روز به روز منفعل تر و ناتوان تر از قبل می سازد. ساعت شش کاملاً شب بود تا که رسیدم خونه تذکر خوردم گفتن تو چرا انقدر دیر می آیی دیگه تذکر خوردم ناراحت شدم خیلی ضربه خوردم خدا شاهده شاید عوارضش از طلاقم ناراحت کننده تر بود؛ به اسم مراقبت کردن اون وقتاً که مجرد بودم طبع آزادی داشتم میرفتم همه جا نمایشگاه کتاب هر جا دوست داشتم. (۲)

پارسال یه نفر به مادرشوهرم گفته بود که توی سزیجات کار می کنیم به عروست بگو پسر بزرگم اجازه نداد.. (۱۵) از طرفی می توان گفت قالب های فکری جنسی پذیرفته شده از سوی زنان می توانند آنان را به عنوان یک گروه اقلیت در جامعه از توانایی ها و قابلیت هایشان محروم نماید و آنان را به عنوان "جنس ضعیف تر" نمایش دهد و آنان را برای مطالبه گری از حقوق خود منفعل نماید. این موضوع در زنان سرپرست خانوار شدت بیشتری پیدا خواهد کرد. روایتهای مشارکت کنندگان تحقیق نیز به صراحت به این موضوع اشاره دارد.

آخه چطور بریم بگیریم؟ ی ضعیفه ای هستیم الان ی ماشین کمک میاد در منطقه آیا ی ضعیفه روش میاد بره بگیره؟ نه والله. می نشستیم بلکه راننده رحمش بیاد به دلش بیافته چیزی برامون آورد. (۸)

بیه خیلی باید مواظب خودش باشه حتی باید پاشنه پاشو کسی نبینه باید مواظب باشه (۱۵)

مردم با نگاهشون آزارت نمیدادن بله همه میدونستن منطقه کوچیکی هستش همه همدیگرو میشناسن (۹)

خوب منم یه ضعیفم ضعیفه ؛ ضعیفه میدونی ؟ میترسم (۵)

فقر و تنگدستی مشارکت کنندگان در کنار مشکلات چند بعدی نزدیکان و شبکه خویشاوندانشان که توانایی حمایت از آنان را نداشتند بارها و بارها در روایتهای تکرار شد.

خیلی آسیب داریم زنی چند تا بچه داره هیچ درآمدی نداره برای اون چند تا بچه اش هرکاری حاضره بکنه اینو مطمئن باش چون پشتش عذاب وجدانی نیست ؛ این در انتخاب بد و بدتر و بدترین یکیشو داره انتخاب می کنه. به خاطر همین یه زن سرپرست خانوار

¹ Decision making

² label

³ The Structure Of Gender Power

باید خیلی محکم باشه. من تو شهر زلزله زده هستم هزاران زن سرپرست خانوار زلزله زده مراجعه می کنن که هیچ خرجی هم ندارن چون حمایتی نیست. (۲)

باورتون میشه اگه بگم اینجا یه سالی میگذره ما نمیتونیم یه غذای حسابی بخوریم (۱۲)
دیگری میگوید: نه والله برادرم انقدر خودشون شرایطشان سخته مریضا، برادرها در موقعیتی نیستن که بتونن به ما کمک کنن [یکیشون] ماهی ۸۰۰ تومن میگیره کارمند نیس (۴)
دخترام شوهراشون کارگره یکی از دخترام شوهرش اصلاً توانایی کار کردن نداره.. چهار خانواده توی اون حیات دارن زندگی میکنن (۸)

"رها شدن و بدبینی"

این مقوله شامل ۵ مقوله فرعی می باشد و بیشتر پیامدهای فقدان حمایت اجتماعی موثر را در بر میگیرد. مشارکت کنندگان اظهار داشتند که فقدان حمایت برای آنان درماندگی، خستگی و فرسودگی، سخت تر شدن زندگی و نارضایتی، رها شدن، بی اعتمادی و بد بینی بدنبال داشته

یکی از مشارکت کنندگان درماندگی خود بدلیل فقدان حمایت و بدوش کشیدن مسئولیت به تنهایی اینگونه روایت می کرد:
(باربر، ۱۹۸۶) معتقد است که "نظریه درماندگی آموخته شده" دقیقاً با نظریه توانمندسازی مرتبط است. (سلیگمن، ۱۹۷۵) معتقد است اگر افراد تجربیات مهمی داشته باشند که نشان میدهد هرکاری آنها انجام میدهند هیچ اثری بر اتفاقاتی که برای آنان می افتد ندارد آنان این انتظار را در خود شکل می دهند که اقداماتشان بطور کلی هیچ نتیجه مفیدی در بر نخواهد داشت لذا توانائی شان را برای انجام رفتار سودمند در موقعیتهای دیگر از دست خواهند داد. این افراد ممکن است انگیزه خود را از دست دهند، مضطرب و افسرده شوند. این شواهد برخی از عقاید (سولومون، ۱۹۷۶) را درباره بی قدرتی حمایت می کند؛ افرادی که در سراسر زندگیشان بی قدرت هستند ممکن است بار سنگین درماندگی آموخته شده را با خود مدام حمل نمایند (پین، ۱۳۹۱: ۵۵۲)
اصلاً خواب ندارم و مغز فکرو ذکرم درگیره این مسائل... میگم خدایا کاش امروز مثلاً یه گوشه از مشکلاتم حل شده باشه این مسئولتم کم شده باشه... بعضی وقتا انقدر فشار سنگینی روم هست میگم روانی شدم بعضی وقت ها توی اتاق دراز کشیدم از اون اتاق صدا میزنن نمیتونم جواب بدم اصلاً زبانم نمی گرده... (۴)

مشارکت کنندگان از بلاتکلیفی و رها شدن در فرایند بازسازی پس از یک دوره فشرده و کوتاه مدت امداد رسانی، ابراز نارضایتی نمودند و نسبت به ارائه خدمات تبعیض آمیز و وعده های واهی احساس بی اعتمادی و بدبینی داشتند و زندگی خود را بسیار بغرنج تر از قبل با بار سنگینی از قرض و بدهی توصیف نمودند که این موضوع خود به فقر و ناتوانی آنان دامن زده است.

الانم رهامون کردن خوب نرسیدن واقعاً بهمون نمیرسن سیل هم اومد گذاشتن رفتن ول کردن (۱۳)
انقدر سخت می گذشت که اصلاً نمی دونستم باید از کی گله کنیم نمی دونستیم باید با کی حرف بزنیم نمیدونستیم مسئول کیه (۷)
گفتن سرپل ویران شده. مادر من سرپله دیگه اون موقع قصر فراموش شده بود اصلاً از سرپل به پایین دیگه نیومدن (۴)
مشارکت کنندگان درک خود را از حمایتها و وعده های واهی اینگونه روایت کردند.

خودمون می ریم (پیگیری) یک ساله دارم میگم دروغ میگه نمیده (۶)

مردم خیلی گناه دارن خیلی نیازمندن چه فایده داره که این کمک به اسم نیازمند میاد... خدا میدونه ما نمیدونیم چطور توزیع می شد (۳)

خب اعتماد کردیم اما خیانت خیلی زیاد شد مثلاً کسی می آمد به عنوان خیر میامد کلاهدار از آب در می آمد... می گفتند فلان کار رو براتون می کنیم کانکس میاریم اما خبری نبود (۴)

¹ Learn Helplessness Theory

اغلب مشارکت کنندگان از بدتر شدن وضعیت زندگی خود بعد از زلزله روایت میکرد:

تو این وضعیت (زلزله)، تو این گرونی او نا مشکل دارند وای به حال کسی که سرپرست خانواده هستش و مستاجر که چهار تا بچه داره دوتااش دانشجو (۷)

خوب ببینید شما در شرایط عادی زندگی این مشکلات را داریم بعد در زمان زلزله اینا به صورت تصاعدی میره بالا (۲)

حال و روز من (بعد زلزله) خیلی بدتر شد الان من دو تا مریض گردنم... الان بعد از زلزله همه چی بدتر شده (۵)

قبل از زلزله هم بود اما مشکلاتم الان بیشتر شده مثلا الان چند بار برم برای چیزی یادم میره نمیدونم برای چی اوادم الام میرم تازه آباد چیزی بگیرم یادم میره میخواستم چی بگیرم (۸)

...نصف خریدام می مونه یارانه هم میزاریم روشن میشه نزدیک ۵۰۰ تومن دیگه نمیتونم مثلا برم فرش بخرم نمی تونم مثلا جاروبرقی خراب شده لوله شکسته ندارم ... واقعا راضی نیستم (۴)

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با یک رویکرد کیفی به تشریح و تحلیل تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار کرمانشاه از حمایت های اجتماعی در زلزله سال ۹۶ پرداخته است. از تحلیل داده ها به روش نظریه زمینه ای ۸ مقوله محوری اصلی شامل "گذرا و مقطعی"، "حمایت کننده های شخصی"، "تنهایی و ترس"، "رویدادهای سخت زندگی"، "استفاده ابزاری"، "احساس رها شدن و بدبینی"، "بی عدالتی و تبعیض"، "احساس ناتوانی" و در نهایت مقوله هسته "حمایت اجتماعی؛ اولویت درک شده زندگی" به عنوان پاسخ سوال اصلی پژوهش استخراج گردید که درک و تفسیر کلی زنان مشارکت کننده را از حمایت های اجتماعی در زلزله و نهایتا اهمیت آن را نشان می داد.

یکی از عواملی که نقش بسیار زیادی در توانمندسازی زنان در موقعیتهای بحرانی در زندگی دارد حمایت های اجتماعی است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج فراتحلیل قربانی در سال ۹۷ که رابطه معناداری را بین حمایت اجتماعی و توانمندسازی زنان نشان میدهد، همسو است. زنانی که از حمایت های اجتماعی برخوردار هستند امکان دستیابی به منابع ارزشمند جامعه را در موقعیتهای مختلف پیدا خواهند کرد و این موضوع ارتباط تنگاتنگی با بستر و زمینه فرهنگی جامعه دارد. از سوی دیگر بهرمندی از مشارکت و تعامل اجتماعی، خودباوری، نداشتن خلاء عاطفی و اعتماد به نفس با برخورداری از حمایت اجتماعی حاصل می گردد.

به نقل از گزارش (UNDP، 1995، UNIFEM & 1995) سهم نابرابر و بیشتر زنان از فقر در مقیاس جهانی غالبا در مفهوم "زنانه شدن فقر" انعکاس یافته است. ۶۰ تا ۷۰ درصد فقرای جهان را زنان تشکیل می دهند و احتمال فقر در میان زنان افزایش یافته است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶) و (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲).

پارادایم جدید فقر به عواملی که در تأیید محرومیت "زنان سرپرست خانوار" مطرح شده، پرداخته است: "جنسیت" و در پی آن "محرومیت از منابع" و حمایت های اجتماعی "شادی طلب و گرایی" (۱۳۸۳) که در نهایت به ناتوانی زنان موصوف و افزایش آسیب های روانی - اجتماعی منجر می گردد. این تحقیقات موید نتایج تحقیق حاضر است.

زنان سرپرست خانوار^۵ جزء فقیرترین فقرا محسوب می گردند (شادی طلب و گرایی، ۱۳۸۳) و فقر در تمامی حوزه های زندگی آنان دیده میشود. عدم دسترسی به فرصتها و منابع اجتماعی بدلیل فقدان حمایت و عاملیت منجر به فقر قابلیتی یعنی محرومیت از

^۱ برنامه توسعه سازمان ملل متحد

^۲ صندوق زنان سازمان ملل متحد

^۳ The feminization of poverty

^۴ Deprivation Of Resoueces

^۵ Headed Household Women

قابلیتها و توانمندی های آنان شده است. کبیر^۱ نظر خود را با بهره گرفتن از ایده (بوردیویی، ۱۹۷۷ به نقل از کبیر، ۱۳۸۹)؛ دوکسا^۲، یعنی آن جنبه هایی از سنت و فرهنگ که چنان بدیهی فرض شده اند [محصول درونی شده ساختارهای جهان اجتماعی] که امکان تغییر در آن وجود ندارد را، اینگونه شرح میدهد: وقتی زنان وضعیت فرودست خود را درونی میکنند و خود را به عنوان فردی با ارزش کمتر، در نظر می گیرند، حساسیت شان در مورد حقوق و ذی حق بودن شان کاهش میابد؛ ممکن است دست به انتخابهایی بزنند که وضعیت فرو دستشان را بیشتر تحکیم و نظام جنسیتی ناعادلانه را تقویت کند. وقتی زنان فاقد حمایت های اجتماعی و عاملیت در مفهومی وسیع تر هستند نباید انتظار داشت انتخاب های توانمندسازانه در موقعیتهای زندگی خود داشته باشند (کبیر و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۵).

در این مطالعه کلیشه های فرهنگی، فرادستی مردان و فرودستی زنان، قضاوت و پیشداوری از مقوله های فرعی احساس ناتوانی در تمامی سطوح جامعه حتی در تمامی سطوح مدیریت بحران کاملاً توسط مشارکت کنندگان درک و تفسیر شده است. در این بستر، دسترسی به منابع و فرصت های برابر در جامعه از مشارکت کنندگان سلب و "احساس ناتوانی" را برای آنان به ارمغان آورده است. توانمندسازی و دسترسی به منابع و فرصت های برابر در جامعه علاوه بر اینکه نیاز به ویژگی های شخصیتی و عاملیت فرد دارد، به تغییر و تعدیل ساختارهای اجتماعی و نگرشها و ایدئولوژی های بازدارنده اجتماعی هم نیاز دارد بگونه ای که از یک سو شبکه حمایت های اجتماعی در سطح میانی، جایی که هنجارها و قواعد جنسیتی برساخت و تعریف می گردند و از سوی دیگر حمایت های قانونی، با حمایت یابی از زنان سرپرست خانوار، بسترهای دسترسی برابر به فرصت ها و امکانات اجتماعی را فراهم نمایند تا آنان نیز خود را در جامعه ارزشمند تلقی کنند و در مواجهه با بحرانها بتوانند از خود و فرزندان شان محافظت نمایند و به بازسازی مجدد زندگی بپردازند. نظریات باربر (۱۹۸۶) در مورد «نظریه درماندگی آموخته شده» که با نظریه توانمندسازی مرتبط است و همچنین نظریات سلینگمن (۱۹۷۵) و سولومون (۱۹۷۶) درباره بی قدرتی (الهیاری و بخشی نیا، ۱۳۹۱: ۵۵۲)، موید یافته های تحقیق حاضر است. همچنین انارسون ریشه اصلی آسیب پذیری زنان در سوانح طبیعی را بی عدالتی جنسیتی عنوان و اشاره می کند که سه عامل فرودستی زنان، موانع ایدئولوژیکی و تسلط مردان بر امر تصمیم گیری به گونه های متفاوتی موجب تشدید آسیب پذیری زنان در برابر سوانح میشوند (حبیب پورگتابی، ۱۳۹۷: ۴۸۱-۴۵۷).

"بی عدالتی و تبعیض" یکی از مقوله های محوری است که مشارکت کنندگان تحقیق از تجربه حمایت اجتماعی در زلزله درک کرده بودند. تبعیض جنسیتی و نابرابری اجتماعی، ترحم و تحقیر و بی توجهی مسئولین به وضعیت مشارکت کنندگان مفاهیمی بود که به کرات در روایتهای آنان شنیده می شد. از دیدگاه تفسیری - برساختگرایی، برنامه ریزی و مدیریت سوانح، تأثیرات و پاسخ به آن و حتی تحقیق درباره آن اساساً فرایندهای اجتماعی اند. در نتیجه، کل جهان در یک جو تبعیض آمیز علیه زنان اتفاق می افتد و جریان دارد. تجربه اجتماعی، سوانح، روابط، کردارها و "نهادهای اجتماعی جنسیتی شده"^۳ را بازتاب میدهد و سوانح در این نظام های اجتماعی کاملاً جنسیتی شده آشکار میشوند (Enarson & Morrow, 1998).

یافته های تحقیق حاضر با بررسی های موسسه Oxfam که سوانح را ذاتاً تبعیض آمیز می خواند و پژوهش (2017, Bhadra) در مورد تأثیر متفاوت فاجعه بر "جنس" و آسیب پذیری های جنسیتی که به عوامل مختلفی نظیر شدت تأثیرات فاجعه، دیدگاه های اجتماعی - فرهنگی بومی بستگی دارد، همسو است. همچنین پژوهش پرفسور (2008, Gokhale) و نتایج تحقیقات ("et al" & Kumara, 2005) و (2007, Neumayer & Plümper) و (1998, Enarson & Morrow) در مورد آسیب پذیری زنان خصوصاً سرپرست خانوار در فاجعه همسو است.

¹ Kabeer

² Doxa

³ Gendered Social Institutions

یافته های تحقیق حاضر در مورد تاثیر مثبت "حمایت کننده های شخصی" در زلزله از جمله تاب آوری، تلاش برای استقلال، امید و استقامت دینی در زمان فقدان حمایت های اجتماعی با مطالعات بدایقی و همکاران (بدایقی و همکاران، ۱۳۹۵) و یافته های (کاظمیان، ۱۳۹۷: ۱۹-۱) همسو است. تحقیقات نشان می دهد که شخصیت انسان واجد حیطه معنوی است و معنویت تاثیر زیادی بر سلامت روانی و جسمی دارد.

مشارکت کنندگان "تنهایی و ترس" را در زلزله بدلیل فقدان حمایت لازم تجربه و درک کرده بودند سرگردانی و بلا تکلیفی، خلاء عاطفی، نگرانی از تامین نیازهای فرزندان و آینده آنان از مفاهیم فرعی این مقوله بود. تحقیقات (خسروان و دیگران، ۱۳۹۲)، (معدفر و حمیدی، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۵۸)، تحقیق جعفری و محمدی (۱۳۸۵)، بررسی رومی (۱۳۸۵) و بلداجی و همکاران (۱۳۸۹) به نقل از قربانی، (۱۳۹۷)، (شادی طلب، ۱۳۸۳: ۷۰-۴۹)، (نازک تبار و ویسی، ۱۳۸۷: ۹۵-۱۱۳)، نتایج بررسی نتایج مطالعه حاضر را تائید می کند.

مشارکت کنندگان حمایت های اجتماعی را در زلزله هیجانی، "زودگذر و مقطعی" تفسیر نمودند نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد اغلب مشارکت کنندگان در یک مقطع زمانی کوتاه و با تاخیر و بی نظمی از حمایت های هیجانی - احساسی دولتی و مدنی و بستگان نشان استفاده نموده اند. اگرچه بدست آوردن این کمکها با تلاشهای بی وقفه و بی حاصل در بستر فرهنگی خاص میدان مطالعه برای آنان بسیار بغرنج و آسیب زا بود اما این حمایتها پس از مدت زمان محدود رو بسرعت رو به کاهش رفت و مشارکت کنندگان با انبوهی از مشکلات و بار سنگین مسئولیت زندگی و فقر تنها ماندند.

در تحقیق کیفی (کاظمیان، ۱۳۷۹: ۱۹-۱)، به نقش موثر عوامل حمایت کننده اجتماعی در زلزله و اهمیت دو چندان "تداوم و پایداری" حمایت های اجتماعی اشاره شده است. (بخشی نیا، ۱۳۹۳: ۵۷-۴۸)، به اهمیت حمایت های روانی - اجتماعی "مداوم" از سوی دیگران به منظور فایق آمدن و مقابله بهتر بازماندگان با مشکلات خود اشاره می کند که این تحقیقات با نتایج تحقیق حاضر همسو می باشد.

"بدینی و احساس رها شدن"، درک و تفسیر مشارکت کنندگان از پیامد حمایت اجتماعی در زلزله بود. بگونه ای که در روایت های خود بطور مداوم از مفاهیم ناتوانی در بازسازی، درماندگی، خستگی و فرسودگی، سخت تر شدن زندگی و نارضایتی نام می بردند. سو استفاده از خلاء عاطفی و تنهایی مشارکت کنندگان، نگاه ابزاری به مشارکت کنندگان در قالب کمک های خیرانه و نودوستدانه و حتی حمایت های روانی - اجتماعی توسط افراد حرفه ای از روایت های مشارکت کنندگان تحلیل و تفسیر گردید. فقدان حمایت از سوی دولت به این قشر آسیب پذیر، ضعف امدد رسانی و عدم شفافیت، عمل نکردن به وعده ها از یک سو و همچنین ضعف حمایت از سوی شبکه خانوادگی بدلیل فقر و محرومیت و زمینه مشکلات چند بعدی خانواده، وضعیت زندگی آنان را نسبت به قبل بسیار بغرنج تر نموده است.

نتایج تحقیقات (حبیب پورگنجانی، ۱۳۹۷: ۴۸۱-۴۵۷)، (پارسی زاده، ۱۳۹۲)، (شادی طلب، ۱۳۷۲) در مورد احساس رها شدگی در بلایای طبیعی موید یافته های تحقیق حاضر است.

این یافته ها همان تفسیری است که نظریات فمینیستی، توانمندسازی "لانگه"، نظریه انتخاب و نظریه توانمندسازی "لی" بر آن تاکید دارند و نظریه جامعه شناسی روزمره واقعیت زندگی روزمره این قبیل افراد و گروه های اجتماعی را در جامعه به تصویر میکشد و "تجربه زیسته" و نوع ارتباط آنان را با واقعیات و پدیده های پیرامون از دنیای ذهنی آنان تفسیر میکند.

نتایج تحقیق حاضر با ابعاد سه گانه نظریه حمایت اجتماعی از (سارافینو، 1998؛ به نقل از بشیری، ۱۳۹۴: ۲۴۹) همخوانی دارد. بعد کارکردی حمایت اجتماعی به سه نوع حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی اشاره دارد. حمایت عاطفی به معنی در دسترس داشتن فرد برای تکیه کردن و اعتماد داشتن به وی به هنگام نیاز در بر دارنده احساس همدلی، توجه و علاقه به یک شخص می باشد. حمایت ابزاری به کمکهای مادی، عینی و واقعی دریافت شده توسط یک فرد از سوی دیگران اطلاق می شود. حمایت اطلاعاتی شامل بدست

آوردن اطلاعات ضروری از طریق تعامل های اجتماعی با دیگران است. اگرچه زنان مشارکت کننده در تحقیق از حمایت های عاطفی ابزاری و اطلاعاتی با تاخیر و بسیار کم طبق روایت هایشان بهره مند شدند اما آن را مقطعی و زودگذر درک و تفسیر نمودند و از تحلیل کدها فقدان این سه نوع حمایت در قالب مقوله های محوری استخراج شد.

نظریه توانمندسازی ۵ مرحله ای سارا لانگه که بر حمایت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص های توانمندی تاکید دارد، موید نتایج مطالعه حاضر می باشد. این ۵ مرحله شامل: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می باشد با تکیه بر این نظریه، زنان سرپرست خانوار باید ۵ مرحله را به منظور توانمندی پشت سر بگذارند. در مرحله رفاه زنان نیاز به حمایت اجتماعی در بعد ابزاری دارند. در مرحله دسترسی زنان باید به منابع ارزشمند دسترسی داشته باشند که این متغیر تحت تاثیر سرمایه اجتماعی خواهد بود هر اندازه سرمایه اجتماعی افراد افزایش داشته باشد دسترسی به منابع کمیاب نیز گسترش پیدا می کند. مرحله آگاهی تحت تاثیر حمایت اجتماعی در بعد عاطفی است هر اندازه حمایت روانی-عاطفی زنان بیشتر باشد توانمندی زنان در تشخیص ماهیت مشکلات و مسائل خود و راه حل های آن بیشتر خواهد شد. در مرحله آخر یعنی مشارکت، حمایت اجتماعی بیشتر، مشارکت بیشتر را بدنبال خواهد داشت. در واقع زنانی سرپرست خانواریکه از حمایت اطلاعاتی بیشتری برخوردارند تعاملات بیشتر و گسترده تری دارند و بیش از سایر زنان در تشخیص برابری خود با مردان در عرصه مهارت ها و توانایی ها موفق هستند و مطالبه برابری و عدالت برای آنها ساده تر است.

ملاحظات اخلاقی

به منظور ملاحظات اخلاقی بخشی از کدهای ۳۱ گانه دستورالعمل و پرتکل رعایت اخلاق در پژوهش های کیفی از جمله شرح اهداف پژوهش، رعایت کرامت و حقوق انسانی و رضایت آگاهانه و آزادانه مشارکت کنندگان در تحقیق، رعایت حریم خصوصی و حفظ رازداری و اسرار مشارکت کنندگان، رعایت ارزشهای اجتماعی، فرهنگی و دینی، نحوه ارائه گزارش نتایج پژوهش با صداقت کامل اعم از نتایج مثبت و منفی، ارائه نتایج پژوهش به مشارکت کنندگان در صورت درخواست و غیره کاملا رعایت شده است.

پیشنهادات علمی و عملی

۱. اگر چه تحقیقات زیادی در حوزه سوانح و بلایای طبیعی انجام شده است اما نتایج پژوهش کفاشی و کمال الدینی (۱۳۹۵) از تحلیل محتوای مقالات مجله های جامعه شناسی در خصوص جامعه شناسی زلزله از سال ۸۲ تا ۹۴ بین ۶۱ مجله نشان می دهد بیشترین نوع روش تحقیق بکار رفته در این زمینه کمی-پیمایشی بود و از روش شناسی کیفی در تمامی حوزه ها و خصوصا وضعیت زنان سرپرست خانوار با روش کیفی با کمبود تحقیقات مواجه هستیم و شکاف دانش و تحقیقات موجود در این زمینه کاملا مشهود می باشد و ضرورت مطالعات کیفی را در این حوزه نشان می دهد.
۲. مطالعه حاضر با تاکید بر جنبه های مختلف حمایت های اجتماعی از دیدگاه زنان سرپرست خانوار در زلزله انجام شده است و انجام مطالعات علمی از سایر جنبه های مسائل و مشکلات و نیازهای درک شده زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از گروه های اجتماعی در معرض آسیب به منظور شناخت بیشتر چالشها و موانع زنان سرپرست خانوار در بلایا به منظور رفع نابرابری و توانمندسازی آنان پیشنهاد میشود.
۳. با توجه به تفاوت های فرهنگی در مناطق مختلف کشور در برخورد و رویارویی با بلایا پیشنهاد می گردد مطالعات تطبیقی میزان حمایت گری از زنان سرپرست خانوار در مناطق مختلف بحران زده کشور، تاثیر نظام فرهنگی حاکم و ساختارهای قدرت جنسیتی بر توانمندی زنان سرپرست خانوار در بحران انجام گردد.
۴. با توجه به بالارفتن نرخ رشد زنان سرپرست خانوار، توجه به توانمندسازی این گروه در بلایا از طریق، تدوین قوانین حمایتی در بلایا و پروتکل های مدیریت بحران با رویکرد عدالت جنسیتی نسبت به اقشار آسیب پذیر ضروری است و ضعف این

- مورد در آخرین قانون مدیریت بحران در ایران، مورخ ۹۸/۶/۳ از سوی مجلس شورای اسلامی با عنوان "لایحه مدیریت حوادث غیر مترقبه کشور" کاملاً مشهود است.
۵. آموزش و ارتقاء سطح دانش فنی زنان سرپرست خانوار در خصوص نحوه مواجهه با بلایا و مراقبت از خود و فرزندان یکی از راههای توانمندسازی آنان و کاهش خطرات می باشد. تدوین پروتکل های آموزشی مهارت های مقابله و مواجهه زنان سرپرست خانوار با بحران، تاب آوری و سایر آموزش های لازم، در سه فاز قبل، حین و بعد از بحران
۶. تدوین پروتکل های علمی مداخلات تخصصی به منظور حمایت های روانی - اجتماعی ویژه زنان سرپرست خانوار به منظور کاهش آسیب های روانی - اجتماعی در بلایای طبیعی.

منابع

۱. استراوس، انسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای، افشار، ابراهیم، تهران: سمت
۲. بخشی نیا، اکبر (۱۳۹۳). نقش مددکاری در بلایای طبیعی با تاکید بر زلزله، فصلنامه مددکاری اجتماعی ۳(۴): ۵۷-۴۸
۳. بدایعی، الهه و همکاران (۱۳۹۵). نقش معنویت و حمایت اجتماعی در نشانه های اضطراب، افسردگی و استرس زنان باردار فسلامت جامعه، دوره دهم، شماره ۲
۴. بشیری، یاسر (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان (مقایسه شهرهای سنندج و بیجار)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما یحیی زاده، دانشکده علوم اجتماعی، علامه طباطبایی.
۵. بهمن، فریده و همکاران (۱۳۹۶). مطالعه کیفی نقش های جنسیتی زنان در زلزله، زن و مطالعات خانواده، سال ۹، شماره
۶. پارسی زاده، فرخ، اسکندری، ملیحه (۱۳۹۲). بررسی توانمندی ها و نیازمندی های زنان در شرایط بحران با رویکرد زلزله، پژوهشنامه زلزله شناسی و مهندسی زلزله، دوره ۱۶ شماره ۱
۷. پیران، پرویز (۱۳۸۲). جامعه شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه، تهران، رفاه اجتماعی، شماره ۱۱، ۱۱-۴۸
۸. بین، مالکوم (۱۳۹۱). نظریه نوین مددکاری اجتماعی، الهیاری، طلعت، بخشی نیا، اکبر و راستار سوم، تهران: دانه
۹. حبیب پور گنجابی، کرم (۱۳۹۷). آسیب پذیری زنان در سوانح طبیعی: یک بر ساخته اجتماعی، تهران: زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۳، ۴۸۱-۴۵۷
۱۰. حسینی، سید یعقوب؛ اسکندری، آتوسا (۱۳۹۸). رتبه بندی استانهای کشور از حیث برخورداری از شاخصهای اقتصادی - اجتماعی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۹ و ۵۰، ص ۱۰۱-۱۲۱
۱۱. خسروان، شهلا و همکاران (۱۳۹۲). تجربه زنان بیوه سرپرست خانوار از تغییر نقش: مطالعه کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، جلد ۲، شماره ۱
۱۲. دارابی، آزاد (۱۳۹۲). رابطه حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کرمانشاه، طرح پژوهشی
۱۳. رضاپور نصرآبادی، رفعت (۱۳۹۶). معیارهای اعتبار و پایایی در پژوهش های کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال ششم، شماره ۴، زمستان
۱۴. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.
۱۵. شادی طلب، ژاله، گرایی نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، ۷۰-۴۹
۱۶. شادی طلب، ژاله (۱۳۷۲). برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲ شماره ۳
۱۷. شادی طلب، ژاله (۱۳۷۲). برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲ شماره ۳
۱۸. شکوری، علی و همکاران (۱۳۸۶). مولفه های توانمندسازی و تبیین عوامل موثر بر آن ها، مجله پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان، ۲۶-
۱۹. فروزان، ستاره، بیگلریان، اکبر (۱۳۸۲). زنان سرپرست خانوار: فرصتها و چالشها، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، بهار، ۵۸-۳۵
۲۰. فلیک، اووه (۱۳۹۳). درآمدی بر تحقیق کیفی، هادی جلیلی، تهران: نی

۲۱. قربانی، فریدون (۱۳۹۷). فراتحلیل جامعه شناختی نیازها و اولویتهای زندگی زنان سرپرست خانوار با رویکرد جامعه شناختی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۹، بهار ۹۸، شماره ۷۲
۲۲. کاظمیان، سمیه، سیفی مریم (۱۳۹۷). بررسی کیفی نقش حمایت کننده های شخصی - اجتماعی احساس امنیت زنان بار دار زلزله زده شهر سرپل ذهاب، فصلنامه فرهنگ مشاوره و رواندرومانی، علامه طباطبایی، سال نهم شماره ۳۶
۲۳. کبیر، نایلا، وی، ویویانو همکاران (۱۳۸۹). توانمندی زنان نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، خاتم، اعظم، صادقی، فاطمه و همکاران، تهران: آگه
۲۴. محمد پور، احمد (۱۳۸۹). تجربه نوسازی؛ مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه ای، تهران: جامعه شناسان
۲۵. محمدپور، احمد، (۱۳۹۰). منطق و طرح در روش شناسی کیفی، جلد ۲ تهران: انتشارات جامعه شناسان
۲۶. معیدفر، سعید، حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). "زنان سرپرست خانوار: نکته ها و آسیبهای اجتماعی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، ص ۱۳۱-۱۵۸
۲۷. نازک تبار، حسین، ویسی رضا (۱۳۸۷). وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران، فصلنامه علمی تحقیقی رفاه اجتماعی سال هفتم، شماره ۲۷، ص ۹۵-۱۱۳
۲۸. نصری، فخرالسادات؛ عبدالملکی، شوبو (۱۳۹۵). تبیین ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده با کیفیت زندگی با نقش میانجی استرس درک شده در زنان سرپرست خانوار شهر سنندج، مجله جامعه شناسی کاربردی - دوره ۲۷، شماره ۴
۲۹. هومن، حیدر علی (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: سمت

1. Enarson, Elaine & Morrow, Betty Hearn (1998). "The Gendered Terrain of Disaster", Westport, CT.: Praeger.
2. Eric Neumayer & Thomas Plümper (2007) The Gendered Nature of Natural Disasters: The Impact of Catastrophic Events on the Gender Gap in Life Expectancy, 1981-2002, Annals of the Association of American Geographers, Volume 97- Issue 3. 35
3. Erlandson, David. (1993). Doing Naturalistic inquiry. London: Sage Publications.
4. <https://www.wikigender.org/wiki/women-and-disasters>
5. Kumara, M. H., Sisira, Ajantha & Handapangoda, Wasana, S. (2005), Women in Natural Disasters: Role and Vulnerability, A Sri Lankan Case Study Based on Indian Ocean Tsunami Occurred on December 26th 2004", Faculty of Management Studies and Commerce, University of Sri Jayewardenepura, Nugegoda, Sri Lanka
6. Militzer, Denise (2008). "Disaster and Gender: The Indian Ocean Tsunami and Sri Lankan Women", Unpublished Thesis, University of Toronto, Canada.
7. UNDP (United Nations Development Program). (1995). Human Development Report, Oxford: Oxford University press.
8. UNIFEM (United Nations Fund for Women). (1995). The human Cost.